

## درآمدی بر بیمه سپرده در کشور چین (مقایسه با تجارب کره در این زمینه)

ترجمه: احمد سازگار<sup>۱</sup>

کارشناس ارشد بیمه

و مدیر مجتمع تخصصی شهید مطهری - بیمه ایران

یعنی فراهم آوردن وام هایی با سود پایین این تصور را آفریده بود که دولت پشتیبان همه بانکها و سیستم مالی کشور است و همین باعث کاسته شدن قدرت مدیریت در بانکهای تجاری گردید. باید توجه کرد که سایر کشورهای آسیایی نیز از بحرانهای اقتصادی بعضاً متفاوت با کره رنج می بردند ولی در تمامی این کشورها یک نکته مشترک است و آن ساختار مالی نامناسب و بدون کنترل آن هاست. بازسازی ساختار مالی کره بهترین راه برای مقابله با

پدیده هایی چون سقوط ارزش پول، رکود فعالیت های اقتصادی، سوخت ثروت ها و از بین رفتن موقعیت های شغلی بحران هایی بود که کشورهای آسیایی را در سال های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ میلادی تحت تاثیر گذاشت و در این بین کره تنها کشوری است که توانست با این مشکلات بخوبی روبرو شود و بر آنها غلبه نماید.

اساسی ترین مشکل کره سیاست های دولت بود، سیاست های مداخله جویانه در سیستم بانکی،

این بحران بود زیرا یک ساختار مالی پیشرفته می تواند به کارآمدی بازار کمک کند، پس به موجب آن بانک های ناکارآمد تعطیل یا با سایر موسسات اعتباری ادغام شدند موسسات مالی و پس انداز بسته شدند و وام ها (اعسطای وام) به شرکتهای مدیریت دارایی منتقل و همچنین سیستم امنیت و نظارت پایه ریزی شد. قبل از سال ۱۹۹۶ کره از سیستم سپرده گذاری در بانک ها دوری می کرد و به جای آن دولت تسلیماً امانت گذاران را در صورت شکست حمایت می کرد و در این شرایط به دلیل رقابت شدیدی که به سبب جریانات آزاد سازی اقتصاد و بازار به وجود آمده بود شکست موسسات مالی انفرادی بسیار محتمل بود. به موجب آن دولت در دسامبر ۱۹۹۵ قانون حمایت از سپرده گذاران را تصویب کرد. (Korean Deposit Insurance Corporation-KDIC) در ثبات بخشیدن به بازارهای مالی به وسیله پشتیبانی کردن از امانت گذاران و فراهم آوردن پشتیبان های مالی قوی در دوره بازسازی و انحلال برخی موسسات مالی شرکت کرد.

اقتصاد چین که به وسیله سیاست های کلان اقتصادی حمایت می شد توانست از فشارهای سالهای ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ موجود در آسیای شرقی بگذرد زیرا در آن هنگام بیشتر توجه اقتصاد دانان به

سمت بازار چین بود. رشد متوسط سالیانه ۸ درصد، چین را از سایر کشورهای منطقه متمایز کرده بود ساختار پیشرفته ای در نظام بانکی و مالی چین به وجود آمده بود و آزاد سازی اقتصاد و بازار همچنان ادامه داشت تا این که چین موفق شد در دسامبر سال ۲۰۰۱ به سازمان جهانی تجارت WTA راه یابد. قبل از ساختن بازار آزاد به صورت کامل، چین باید خودش را برای آزاد سازی اقتصاد آماده می کرد با اعمال سیستم هایی که دولت در چین اجرا کرد تصور این که سیستم مالی در چین به طور شتاب زده دچار تغییر و انحلال بخش های دولتی شود غیر محتمل می نمود ولی در اقتصاد آزاد هیچ کشوری نباید خودش را از بحران های مالی مصون بداند و باید توجه داشت که هزینه بحران های مالی که اتفاق می افتد در بیشتر اوقات بسیار زیاد است. برای رهایی از بحران و حفاظت از سیستم هایی که در آن ها برخی شرکتهای مالی در حال انحلال هستند، احتیاج به ساز و کاری مناسب است بیمه پس انداز و بیمه سپرده گذاری روشی است که می تواند اثرات نامطلوب شکست شرکتهای مالی را کاهش دهد.

اهمیت بیمه پس انداز از آن جا آشکار می شود که ۶۸ کشور در دنیا حداقل از یکی از صورت های بیمه سپرده گذاری استفاده می کنند،

عمومیت استفاده از بیمه پس انداز سبب شد که استفاده از این بیمه در کشورهای در حال توسعه و تازه صنعتی شده نیز با استقبال مواجه شود خصوصاً در برابر بحران های مالی همه گیری که از دهه ۸۰ شروع شد.

هزینه پیش بینی شده و بالقوه برای استفاده از بیمه سپرده گذاران در سیستم های مالی نیز با چین فرق داشت. چین می تواند از کره به عنوان یک نمونه موفق کمک بگیرد و از تجربه های کره به عنوان یک نمونه موفق استفاده کند. در این تحقیق سعی بر آن است تا به مطالعه ساختار مالی کره و راه کارهایی که کره برای مبارزه با بحران های مالی انتخاب کرده است پردازیم.

### ساختار مالی کره

تا بروز بحران مالی در سال ۱۹۹۷ مدل توسعه کره به طور مشخص کارا بود و در بازه زمانی بسیار موفقیت آمیز بود و رشد قابل توجهی نسبت به سایر کشورهای منطقه داشت و در بهبود بخشیدن به وضعیت فقر بسیار موفق بود. با اینکه کره روز به روز قصد همگام شدن با اهداف جهانی اقتصاد را داشت ولی روند حرکت دولت با این اقدام ها همگون نبود که در ادامه به بررسی برخی مشکلات و بحران های مالی کره می پردازیم. دلیل اصلی بحران در سال ۱۹۹۷ را می توان، ساختار

ضعیف اقتصاد کره دانست سازوکار دولت برای صنعتی شدن اقتصاد اجازه پرورش و رشد غیر قابل کنترل chelbols را به وسیله پس انداز ها و سپرده ها به سپرده گذاران می داد.

در سال ۱۹۹۷ اقتصاد کره به شدت وابسته به چند شرکت اقتصادی شد در عوض به شدت به سیستم بانکداری و سیاست های بانک های درونی کره اعتماد ایجاد شد.

افزایش نسبت بدهی ها به سرمایه و بازده کم سیستم هایشان سبب شد تا نظام مالی آنها نسبت به نوسانات پولی و ارزششان نقدپذیر باشند. قبل از بحران، سود آوری بانک های کره به سبب ضعف کیفیت دارایی ها و قانون نرخ سود بسیار کم بازده بود و همچنین ضعف مدیریت دارایی ها و دیون نیز در این بین بی تأثیر نبود. ولی سیاست های دولت چنان بود که تصور می شد که دولت پشتیبان سیستم بانکی کشور است. این مجموعه آن قدر بزرگ به نظر می رسید که شکست آن غیر محتمل بود. ولی چیزی نگذشت که افزایش خطرات این نظام کم کم سیستم صنعتی این کشور را وادار به دخالت کرد. هم چنین فقدان نظام قانونی و نظارتی در بازاری که به سمت آزاد سازی حرکت می کرد سبب شد تا بانک ها بدون سرمایه لازم پذیرای خطرات و ریسک های بزرگ شوند البته نباید به نا کارآمدی

سیستم حسابداری و تنظیم نمودن استانداردهای پایین برای محصولات و نظارت ضعیف بر ساختارهای مالی در ناکارآمدی سیستم مالی کره بی توجه بود.

### نقش KDIC در بازسازی ساختار مالی

از ۱۹۹۶ کره عاری از یک سیستم پس انداز و سرمایه گذاری شخصی بود به جای آن دولت بطور غیر مستقیم از سرمایه گذران و امانت گذاران در صورت ورشکسته شدن حمایت می کرد. همزمان با پیشرفت مراحل آزاد سازی ساختار مالی در دهه ۱۹۹۰ دولت قانون حمایت از امانت گذاران در دسامبر سال ۱۹۹۵ را تصویب کرد و KDIC در سال ۱۹۹۶ تاسیس شد.

در اوج بحران های مالی، بازسازی ساختار اقتصاد ضرورتی اجتناب ناپذیر بود. برنامه ای بود که در راستای بهسازی پوشش بیمه ای به بیمه گذاران به مدت ۳ سال ارائه شد. این بیمه نه تنها به دیون مربوط به سرمایه گذاری مرتبط می شد بلکه دیون مربوط به بخش های خصوصی و بانکهای تجاری و اعتباری حتی پرداخت حق بیمه نیز ارتباط داشت.

استفاده از طرح بیمه سپرده گذاری عامل بسیار مهمی برای ایجاد آرامش خاطر برای سپرده گذاران شد، به طوری که در آینده ای نزدیک پس از ایجاد این سیستم، عدم استفاده آن در بانک ها

غیر قابل تصور بود. پس از آن در سال ۱۹۹۸ نمایندگی های بیمه سپرده گذاری موسسات غیرمالی تحت عنوان چتر بیمه ای KDIC به هم پیوستند. در مرحله بعد بهترین اقدامی که برای کمک به حل و از بین بردن بحران انجام دادند انحلال موسسات مالی بود که در بین این موسسات تقدم با موسسات و بانک های تجاری بود. بعد از گذر از این مرحله وارد مرحله تخصص گرایي و توسعه سیستم بانکی و مالی شدند.

اولین اقدام در جهت تحقق بخشیدن این هدف تشخیص این نکته است که آیا یک موسسه مالی کارا است یا نه؟ باید توجه داشت که یک موسسه در عین آنکه می تواند ضعیف باشد می تواند کارا باشد. این گزینش شامل تمام موسسات اعتباری بانک های تجاری و بانک های تخصصی و پیشرفته بود.

برای موسسات و سازمان های نا کارآمد راه کارهایی چون ادغام، فروش و نقدینگی استفاده شد ولی برای موسسات و سازمان های کارا برنامه های باز توانی برای بدست آوردن حداقل هایی که برای ادامه کار آن ها در شرایط کنونی لازم بود و برنامه ریزی و بازسازی دوباره موسسات نیز لازم الاجرا می نمود به هم پیوستن این اجزا در بخش مالی که در حال بازسازی بود

توانست کمک بسیار بزرگی به بودجه عمومی کند. در زمانی که بحران پیش بینی شد، آشکار شد که دامنه مشکلات ناشی از آن تا چه حد وسیع است و همچنین مشخص شد که یک بودجه نجومی برای بازسازی سیستم مالی مورد نیاز است.

استفاده از بودجه عمومی سبب کاستن ریسک و فشارهای روانی می شد و کاهش ریسک سرمایه گذاران منوط به ایجاد یک سیستم حمایتی است و باید به این نکته توجه داشت که با اینگونه حمایت ها، مدیریت محتاطانه در حال و آینده به مدیریتی با انگیزه مبدل می شود.

تعداد مؤسسات مالی که بعد از اهدای وام از سپرده سرمایه گذاران دچار مشکل شده اند محدودند و می توان برای تأمین آرامش و امنیت شغلی این موارد را بررسی کرد.

تخمین زدن هزینه بازسازی ساختارهای مالی هیچ گاه به طور مطلق انجام نمی پذیرد زیرا هم زمان موسسه متحمل ضرر و زیان های ناشی از عملکرد مالی شرکت (خالص هزینه ها) تنها زمانی مشخص می شود که تمام دارایی های شرکت نقد شود. به عبارت دیگر تمام دارایی ها و موجودی و سرمایه شرکت به فروش برسد و به پول نقد تبدیل شود.

این طرح توانست ۱۵/۷ تریلیون ون را به وسیله فروش اموال و دارایی ها برای باز پرداخت

وام ها پردازد در حالی که توانست ۲۷/۶ تریلیون ون را که بیشتر آن بوسیله فروش NPL بود پرداخت کند.

برای کم کردن هزینه های تحمیلی به دولت برای بهبود و بازسازی ساختار مالی باید راه های جبران زیان های مالی را به حداکثر رساند هزینه های ناشی از بازسازی ساختارهای مالی را می توان با کمک افراد و گروه ها و سازمان های پرداخت کننده مالیات و یا نمایندگی هایی که به هر صورت به مؤسسات مالی مرتبط هستند پرداخت کرد تا اینکه بتوان بهترین پوشش مالی و مطمئن ترین راه را برای این مؤسسات فراهم آورد. هزینه ای که از بودجه عمومی و دولتی صرف بازسازی ساختار مالی شده چیزی حدود ۶۹/۴ تریلیون ون برای سال ۲۰۰۲ اعلام شده است. بخش مالی از تزریق این بودجه بسیار منتفع شده بود و از طرف منابع مالی و صنعتی حمایت می شد و بقیه هزینه ها از طریق خزانه ملی پرداخت می شد.

در زمانی که بخش مالی در حال رشد بود ۲۰ تریلیون ون ۵/۱ درصد از کل حق بیمه های پس انداز به این امر اختصاص داده شده بود و دولت با استفاده از دریافت مالیات ها بقیه عملیات پشتیبانی را با پرداخت ۴۹ تریلیون ون به اجرای در آورد. در سال ۱۹۹۸ در نظام مالی قوانین اصلاح کننده

## بررسی بازار مالی چین

به دلیل اینکه اقتصاد چین، از سیاست های کلان کارآمدی بهره می‌گرفت توانست با بحران‌های مالی سال‌های ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۸ مقابله کند ولی نکته قابل تأمل این است که رشد بخش های خارج از نظام مالی را با ضعف های داخل سیستم مالی اشتباه کرد، چین نیز نیاز به یک بازسازی زیر ساخت های اقتصادی داشت.

### بانکداری

بانکداری یکی از بخش های داخلی سیستم اقتصادی چین است که متشکل شده است از ۴ بانک تجاری دولتی ۱۱ بانک تجاری سهامی عام، ۱۱۱ بانک تجاری منطقه ای ف ۵۳۲ موسسه اعتباری و ۱۵۸ شعبه بانک های خارجی. سرمایه در دست بانک‌های خارجی چیزی حدود ۴۴ میلیون دلار است. چهار بانک بزرگ چین با نامهای بانک تجارت، صنعت چین، بانک کشاورزی بانک چین و بانک ساختمان چین در سیستم مالی چین مشغول فعالیت هستند. خطر فروپاشی نظام مالی چین بسیار قریب الوقوع بود طبق تراز نامه های مالی که البته بر طبق استانداردهای مالی تنظیم شده بانک ها و موسسات مالی چین در بین ۵۰ بانک بزرگ و سرمایه دار قرارداداشت ولی روند سود آوری این بانک ها به طور فزاینده ای روند نزولی داشت.

سازمان تصویب شد یکی از مهم ترین شاخص ها در نسبت سرمایه در بانک ها نسبت سرمایه خالص در شرکتهای تضامنی و نسبت حاشیه سود برای شرکت های بیمه بود.

بر اثر تصویر استانداردهای یکسان و متحد برای موسسات مالی در اکتبر سال ۱۹۹۸ اکنون تمام موسسات مالی موظف به افشای صورت های مالی خود به صورت صادقانه برای ۲ بار در سال هستند که در صورت اثبات عدم وجود صدق گفتار، جریمه منظور برای این عدم اظهار بسیار زیاد خواهد بود. این اطلاعات سبب انتخاب آگاهانه برای کسب سود می‌شود. در سال ۲۰۰۰ سیستم‌های مختلف حسابداری معرفی شدند که برای مثال در سیستم تمام دارایی‌ها در معاملات تضامنی با قیمت گذشته و یا به اصطلاح قیمت تاریخیشان ثبت می‌شود.

نکته دیگری که سبب بهبود کیفیت سطح مدیریت شد پیشرفت دانش مدیران و توانایی اجرایی آنها است. ادعای خسارت به دلیل عملکرد مدیران در سیستم های مالی سبب شد که مدیران مسئولیت بیشتری برای بهتر انجام دادن وظایفشان احساس کنند و دامنه فعالیتشان هم در همین راستا رشد یابد. مثلاً آنها باید برای استفاده از نیرویی که در خارج از موسسه است در سطح مطلوبی از دانش و اخلاق است تشویق شوند.

دلیل اصلی این موضوع آن بود که مشتری ها ورشکست شدند. ولی در این شرایط بانک ها تلاش می کردند که نظام انسانی و پرسنل خود را حفظ کنند این ۴ بانک بزرگ تنها ۵/۲ درصد از سودآوری مطلوب چین را فراهم می کنند، باید توجه داشت که نسبت رایج سود آوری در جهان ۸ درصد است.

با وجود شرایط حاکم بر بانک های چین به مدد میزان بالای پس انداز مشتریان این بانک ها از نقدینگی خوبی برخوردار بودند و بسیاری از سپرده گذاران بخش خصوصی همچنان پولشان در بانک ها بود و سیاست حمایتی که دولت برای سپرده گذاران پیاده کرده بود سبب ادامه این شرایط شده بود. قسمت های کوچکتر نظام مالی چین که برای مثال در شهر ها و روستاها مشغول بودند به همان اندازه شکننده و سست بودند.

### بازسازی سیستم مالی

در راستای پذیرش چین در سازمان جهانی تجارت حرکت برنامه های این کشور حساب شده و طی یک عملیات ۵ ساله باید تحقق یابد در این دوران چین باید حرکتش را در جهت بهبود وضع بازار و آزادسازی اقتصادش سرعت بیشتری می بخشد. برای رسیدن به این مهم چین باید نظام واگذاری مالکیت سرمایه گذاری بودجه بندی و

قانون های حکومتی و وضعیت بازار را سامان بدهد. در جهت رسیدن به حداقل های استاندارد جهت ورود شرکت های خارجی نیز نیازمند اجازه چین و دادن سرویس و خدمات با اجازه هستند که ارائه این خدمات طبق برنامه ۵ ساله اولیه انجام می شود. بررسی ها نشان می دهد که بانکهای چینی لطمه ای بزرگ از رقابتی نبودن عدم مدیریت کارآمد و... خورده اند.

حیطه فعالیت این ۴ بانک با سایر موسسات مالی تقسیم می شود. خدمات و فعالیت بانک های تجاری داخلی با خدمات پیشرفته که از بانکهای خارجی گرفته اند ترکیب می شود و خطر این عمل بیشتر متوجه موسسات مالی نیست بلکه شامل سایر موسسات واسطه مثل املاک، بیمه اعتباری مشاوران مالی و سایر انواع شرکتهای می شوند.

ممکن است که سرمایه عملیاتی بانک های داخلی برای بانکهای قوی خارجی کافی نباشد همین کمبود سرمایه سبب ایجاد مانع برای فعالیت و توسعه این بخش می شود همچنین این مشکل ممکن است همچنان اثرات منفی خود را روی باور عمومی در ارتباط با بانک های داخلی داشته باشد.

با ورود چین به WTO بانکها آشکارا فهمیدند که با چه مشکلاتی دست به گریبان هستند بنابراین تلاش برای کم کردن فاصله بین عملکرد خود و

مؤسسات و بانک های بین المللی را آغاز و در این راستا بر مبنای توافق نامه حرکت کردند.

رسیدن به حداکثر سود هدف اصلی این مؤسسات شد در همین راستا آنها به این نکته رسیدند که وجود کارکنان بیش از حد نه تنها هزینه ها را افزایش می دهد بلکه سود آوری را نیز کم می کند و به این اعتقاد رسیدند که سود آوری زمانی رشد می کند که جمعیت کارکنان به نصف کاهش یابد.

### مشکلات ابتدایی

بخش بانکداری چین حجم بسیار زیادی وام غیر اجرایی دارد زیرا برای سالهای متمادی چین میزان وام را به دلیل توجه به اصل سالم بودن تجارت افزایش نداد. چین بودجه لازم برای اعطای وام ها را در سال ۱۹۹۴ نداشت. میانگین وام های غیر اجرایی در بانک های داخلی قبل از وارد کردن آن جزء دارایی های شرکت چیزی حدود ۲۵ درصد پیش بینی شده بود. ارزش واگذاری مجدد سبد های وام به این پیش بینی جامه عمل پوشاند به طوری که بعد از بازبینی که در سال ۲۰۰۱ انجام شد این نسبت به ۲۵/۴ رسید.

برای توانمند ساختن بانک های دولتی دولت مرکزی ۴ شرکت مالی مدیریت دارایی با نام های Great wall Huarong را تاسیس کرد. چهار

بانک دولتی چین اجازه واگذاری را به این چهار شرکت داشتند و دولت به هر کدام از این شرکت ها به عنوان سرمایه اولیه مبلغ ۱۵ میلیون ون را پرداخت و این مؤسسات مجاز بودند برای افزایش سرمایه از صدور سهام و اوراق مشارکت و قرض از سایر شرکتها استفاده کنند. این مؤسسات از بانک های اعطا کننده ارزش وام داده شده به همراه سود مربوط به آن را دریافت می کردند. این میزان چیزی حدود ۱/۳۰ میلیون ون از کل وام های اعطا شده کشور از کل وام هایی که توسط بانک های دولتی اعطا شده است می باشد. تنها واگذاری به این مؤسسات کافی نبود شرکت های مدیریت مالی تنها می توانستند مشکلات مالی ناشی از آن را حل کنند. اگر مدیریت ضعیف باشد امکان بدتر شدن شرایط دور از انتظار نیست برای بهبود کامل شرایط باید از شیوه های قوی تری استفاده کرد.

### افزایش سرمایه در بانک های دولتی

به دلیل افزایش رقابت در بانک های تجاری این مؤسسات باید در راستای شفاف سازی، تمام اطلاعات مالی شرکت را به صورت آشکار در اختیار عموم قرار دهند.

اگر چینی ها نکات ضعفی از لحاظ مالی و اجرایی ببینند بعد از ورود به WTO سپرده های خود را از این بانک ها خارج می کنند و به



### چارچوب نظام نظارتی به سیستم های مالی

بر اساس قانون چین هر موسسه می تواند در یکی از شاخه های بانکداری ، بیمه ، املاک و ... فعالیت کند. بر اساس قانون نظارت مصوب سال ۱۹۹۵ سه مرجع به کار این موسسات نظارت می کردند:

- ۱- بانک ملی چین ۲- انجمن قانون گذاری بیمه چین ۳- انجمن امنیت چین

این سیستم یعنی وجود چند مرجع نظارتی وسیله ای برای کمک به وضعیت کنونی بازار مالی در چین بود. وجود چنین سیستمی محیط رقابتی کمتری را ایجاد خواهد کرد و جهانی سازی و آزاد سازی سرمایه ها و خدمات مالی رشد و توسعه بخش های اطلاعاتی با سرعت بهتری انجام خواهد شد. نکاتی که چین در مواجهه با مشکلات اقتصادی جنوب آسیا دریافت سبب شد که چین به سمت سنجش ریسک برای بانک های تجاری و نظارت مجدد بر مدیریت ساختار درون سیستم مالی تغییر جهت دهد.

### تضمین دولتی

با اینکه در قانون مصوب سال ۱۹۹۵ به اصل ورشکستگی تأکید شده بود اما برای مردم چین احتمال وجود خطر برای سپرده هایشان در بانک خیلی غیر محتمل می نمود این روش سبب می شود

موسسات سود آور تر می سپارند. برای غلبه بر چنین مشکلی این بانک ها بایستی افزایش سرمایه چشم گیری داشته باشند. این عمل در سال ۱۹۹۸ با تزریق ۳۲۵/۳ میلیون دلار که به وسیله صدور اوراق مشارکت خزانه فراهم شده بود انجام شد. اگر چه این افزایش سرمایه کمک شایانی به این شرکتها کرده ولی برای وصول به سطح مطلوب لازم بود افزایش سرمایه مجدد بوسیله منابعی که ذیلاً ذکر می گردد انجام شود.

۱- سود ناشی از فعالیت های آتی بانک

۲- کمک مجدد از طرف دولت

۳- فروش سهام های داخلی

۴- فروش سهام های خارجی

۵- کمک از موسسات خارجی

بهترین راه حل ، ترکیب تمام راه های فوق است. البته نباید از نظر دور داشت که کمک از طرف دولت به معنای صدور اوراق بهادار است که این عمل فشار بسیار زیادی را به وزارت خانه های مرتبط با امور مالی وارد می کند.

بررسی نکات فوق این مطلب را آشکار می کند که مالکیت این بانکها باید تغییر کند و بهترین گزینه در این راستا خصوصی سازی و فروش سهام آن موسسات است. این راه به افزایش سرمایه نیز کمک چشم گیری می کند.

که یک آرامش کاذب ایجاد شود و یا به تعویق افتادن راه حل های ساده برای حل مشکل بانک بحران مالی بوجود آید.

برای مثال بانک توسعه در سال ۱۹۹۸ تأسیس شد. یک شرکت سهامی خاص با ۴۷ سهامدار و با سرمایه ای معادل ۱/۶۷۷ میلیون ون از حدود سه سال فعالیت با مشکلات متعددی روبه رو بود و سبب شد که به سمت ورشکستگی پیش رود. از سال ۱۹۹۸ سرمایه گذاران کم کم به خارج کردن سپرده هایشان از بانک مبادرت کردند و ادامه این روند سبب قطع حیات این موسسه شد.

#### الف) هدف از تأسیس HDB

HDB بر اساس چهار شرکت سرمایه گذاری و یک موسسه مالی شکل گرفت و این پنج سازمان مالی در آن زمان واقعاً درگیر مشکلات مالی بودند. NPL کل این پنج سازمان بر اساس آمار گرفته شده به ۲/۶ بلیون (RMB) می رسید. حکومت ایالتی هاینن قصد داشت از طریق ادغام این پنج سازمان به عنوان یک بانک بزرگ آنها را از این مشکلات رها سازد. دولت نقش مرکزی این کار را در آماده سازی به عهده گرفت و برجسته ترین سهامدار HDB خود دولت بود. سایر سهامداران خرد و کوچک که توسط دولت گردهم آمده بودند آن چنان علاقه ای به کار مدیریت نداشتند.

از این پس، هدف اصلی این سهامداران کوچک گرفتن سرمایه خود در کوتاهترین مدت زمان ممکن از HDB جدید بود خواه از راه های قانونی یا غیرقانونی. HDB زمانی که فعالیت خود را از ۱۸ آگوست ۱۹۹۵ آغاز کرد، سرمایه پرداخت شده ۱/۶۷ بلیون بود اما رقم حقیقی آن فقط ۱/۰۷ میلیارد تشخیص داده شد. در مدت دو هفته فعالیت HDB وامهایی به مبلغ ۱/۰۶ میلیارد توزیع شد. برطبق بررسی های بعدی، ۹۲٪ میلیارد به حساب سهامداران گذاشته شد که این وامها را بدون هدف قرض گرفتن طبقه بندی می کردند.

#### ب) HDB بانکی تحت کنترل دولت به منظور حمایت از اتحادیه های اعتباری

این بانک فعالیت خود را در سال ۱۹۹۷ ادامه داد. بر اساس آمارها، در سال ۱۹۹۷ در ایالت هاینن ۳۴ شرکت تعاونی اعتباری شهری وجود داشت. کل دارایی ها و بدهی ها و مسئولیت ها به ترتیب ۱۳/۷ میلیارد و ۱۴/۱۵۳ میلیارد بود. اکثر این شرکت های اعتباری در مشکلات مالی به سر می بردند و نزدیک به نیمی از آنها زیر فشار سپرده گذاران بودند. بر اساس تحقیقات فوری دو ماهه ای که توسط شعبه هاینن انجام گرفت، حکومت ایالتی هاینن و شعبه هاینن طرحی برای سامان بخشیدن به بحران پرداخت شرکت های اعتباری شهری ارائه

### ج) انحلال HDB

با وجود سه سال عملکرد پر تلاش و جذب NPL از نهاد های مالی کوچک ، HDB سرانجام به موقعیتی رسید که باید توسط دولت مرکزی و بانک مرکزی از این شرایط بد خلاص می شد . این موقعیت تقریباً شبیه موقعیتی بود که شرکت های اعتباری کوچک از مشکلات خود خلاصی یافتند. پس از اعلام ورشکستگی بانک تجارت ، چین از طریق PBC مأمور شد تا کنترل دارایی ها و بدهی های HDB را بدست گیرد و مسئولیت انحلال آن را بپذیرد .

ICBC (بانک بازرگانی و صنعتی چین) از میان بدهکاران، سپرده گذاران سازمانسی و سپرده گذاران انفرادی را شناسایی کرد و سپس شروع به پرداخت بدهی ها به افراد یا انتقال سپرده آنها به حسابهای آن بانک کرد که این کار تا ۳۰ ژوئن ۱۹۹۸ به طول انجامید. برای آن دسته از سپرده گذاران که بصورت سازمانی بودند، بانک بازرگانی و صنعتی چین تنها اقدام به ثبت نام آنها کرد تا به دنبال راههای دیگری برای حمایت از آنها باشد. دیگر جزئیات مربوط به تسویه نهایی مشخص نیست و همچنین اطلاعات دقیقی در مورد مسئولیت ها و حمایت های مالی از طرف PBC و ICBC در جریان انحلال در دست نیست. در مورد

دادند. محتویات اصلی این طرح ، به منظور یکی شدن بود ، یعنی بسته شدن پنج سازمان قبلی و ادغام سایر ۲۸ شرکت اعتباری به یک سازمان. بانک مردمی چین و همچنین هیئت دولت چین پس از مذاکراتی این طرح را تصویب کردند. آنها همچنین تصمیم گرفتند که توسط وام هایی (به عنوان قرض دهنده و آخرین منبع تامین) به حکومت ایالتی هانین ، در تامین قسمتی از بدهی ها کمک کند.

همان طور که سپرده گذاران انفرادی نیاز به حمایت از سوی دولت و بانک مرکزی داشتند ، سهامداران HDB حتی بیشتر از آنها خواهان این حمایت بودند . اگر چه بعدها معلوم شد پولی که از PBC به HDB سپرده شده بود تماماً برای سپرده گذاران انفرادی و برای بدهی های سهامداران HDB مورد استفاده قرار گرفته اما هنوز هم برای بدهیهای خود کمبود مالی داشت. تنها راه این مشکل برای جمع آوری سپرده های بیشتری با نرخ سود بالا از طریق شعبه های بیشتر بود ، مخصوصاً از طریق شعبی که در خارج از ایالت هانین قرار داشتند . تعدادی از شعب HDB، در اواخر سال ۱۹۹۷ اطمینان دادند که نرخ سود سالانه ۱۸ درصد را برای حسابهای سپرده پس انداز در نظر بگیرند که این مقدار سود بالا بحران را بدتر می کرد.

این قضیه این نگرانی وجود دارد که آیا ممکن است ICBC در جایگاهی قرار گیرد که HDB در مقابل شرکت های اعتباری کوچک و شرکت های سرمایه گذاری امانی در سالهای قبل داشت ؟

با عدم موفقیت ، مسئله مطرح کردن و داخل کردن DIS (سیستم بیمه سپرده) به سیستم مالی دوباره زنده شد . افرادی از دولت و سیستم بانک مرکزی در مورد تأسیس DIS با نظر موافق نگاه کردند چون آنان قادر به عملکرد نظارتی بر فعالیت بانک ها بودند و می توانستند به انحلال موسسات مالی ورشکسته کمک کنند. درحالیکه افراد در بخش بیمه و بانک های دولتی به نظر محتاط تر می آمدند. آنها نگران برخی از اثرات منفی سیستم مانند خطرات معنوی آن ، انتخاب مغایر و مشکلات کارگزاری بودند. به هر حال ، همه مباحثه ها و بررسی های انجام شده محافظه کارانه و فاقد ارزش برای آینده DIS در چین هستند .

### ورود سیستم بیمه سپرده در چین

طراحی یک ساختار بیمه ای مؤثر و کارگر سیستم مالی چین به آن حدی نیست که برای راه اندازی یک بانک بسیار بزرگ اقدام کند همچنین مقامات صلاحیت دار نیز می توانستند در کنار عملکرد متمرکز برای بکارگیری به جای دلار یک بانک بزرگ را داشته باشند به هر حال

پس انداز مردم با سیستم بانکی دارای مشکل کنونی در حال تلف شدن است و استفاده از این سیستم برای مدت زمان طولانی به معنای مسئولیت مالی بزرگی نسبت به عموم است همچنین اثرات بعدی نیز پیشرفت بخش مالی را دلسرد خواهد کرد که این تهدیدی برای رشد اقتصادی خواهد بود.

از این گذشته همانطوری که سیاست اقتصادی و مدیریت در چین برای در بر گرفتن مکانیسم بازاری در حال تغییر است همزمان با باز شدن متوالی بازارهای مالی نشان می دهد که جریان اصلاحات بخش مالی باید تسریع شود. در بازاری که بر پایه اقتصاد می باشد کارایی از طریق رقابت در حال افزایش است . این مسئله بر این دلالت دارد که تنها شایسته ترین می تواند باقی بماند، در حالیکه شرکت های تجاری و سازمان های مالی که ضرر می دهند باید از بازار خارج شوند. پس این مسئولیت بر عهده کارگزار های نظم دهنده ای مانند سیستم بیمه سپرده است که ثبات و جرأت عمومی را در سراسر سیستم بانکی حفظ کرده و درعین حال به بانک های ناپایدار شخصی نیز اجازه دهند که مشکلات خود را رفع سازند. روش های ساماندهی کردن مالی در چین در تجربه بسته شدن شرکت های زیر مشاهده شده است. بسته شدن ۲۰ شرکت اعتباری شهری و یک بانک بازرگانی

سهامداری، سه شرکت سرمایه گذاری امانی در سال ۹۸-۱۹۹۷ و شرکت سرمایه گذاری و امانی بین المللی کاندانگ (GITIC) در سال ۱۹۹۹ گواه این است که این روشها بدون مشکل نبوده اند. این مسئله از طریق پیگیری تک تک موارد نه از طریق ترتیب های نهادینه دنبال شده است. موسسات و سازمان ها اغلب اوقات بدون در اختیار داشتن مبلغ کافی برای پرداخت سپرده ها بسته می شوند. نقص قوانین مربوط به خاتمه دادن و ورشکستگی شرکتها کار را برای اداره کردن نحوه عملکرد موسسات مالی وامانده (دچار مشکل مالی) دچار مشکل کرده است. در کنار همه اینها، همانطور که در مورد HDB بحث شد دولت چین پس دادن تمام و کمال سپرده های متعلق به خانواده هایی که در سازمان های دچار مشکل همکاری داشتند را به گردن گرفت با این وجود هنوز چین تعهدی قانونی را در این زمینه بوجود نیاورده است.

وجود ندارد. تأمین وجه به طور نامحدود است که اغلب به توانایی دولت در دسترسی به هزینه های عمومی بستگی دارد در کشورهایی که سیستم بیمه سپرده رسمی ندارند یا جایی که ضمانت بصورت ضمنی و تلویحی می باشد، هزینه هر گونه کوششی برای حمایت از سپرده ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر عهده دولت و البته از طریق بانک مرکزی خواهد بود. ریسک معنوی این مسئله در این است که اگر دولت چنین تعهدی کند مدیریت سازمان های مالی کم انگیزه خواهند شد، اگر دولت چنین چیزی را عهده دار نشود سپرده ها بسوی بانک ها هجوم می آورند. اگر چه وجود درجه ای از عدم اطمینان ممکن است منجر به این شود که سپرده گذاران تلاش بیشتری را در بازیابی و نظارت بانکی اعمال کنند و زمانیکه بانک ها با شکست مواجه می شوند این مسئله به طور عمده به ثبات اقتصادی آسیب می رساند.

حمایت مطلق هیچ گاه بصورت رسمی معین و تصریح نشده است طبعاً حمایت تلویحی هنوز در مورد اینکه در زمان ورشکستگی بانک، چگونه باید با سپرده گذاران، بستانکاران و سایرین برخورد شود ابهام باقی گذاشته است. هنوز هیچ قانون مدونی در زمینه شرایط انتخاب بدهی های بانکی، میزان حمایت قید شده و یا شکل بازپرداخت وجه

در این شرایط کشور چین می تواند مزایای زیادی از طریق تأسیس یک سیستم بیمه سپرده قانونی و رسمی بدست آورد. بر این اساس اولاً تشکیل یک سیستم بیمه سپرده صریح و روشن می تواند از طریق محدود کردن پوشش و تأمین یک مکانیسم رسمی که بانکها را مجبور می کند حداقل قسمت اعظم هزینه حمایت از سپرده را به

عاهده گیرند تعهدات دولت را کاهش می دهد.

ثانیاً اگر چه تعداد کمی از سازمان ها ممکن است دارای مجوز شوند که در آینده ای نزدیک اعلام ورشکستگی کنند ، مکانیسم خروج از بازار باید از پیش تعیین شده باشد. کشور چین در حال حاضر صریحاً دچار کمبود قوانینی است که به منظور ناظر بودن بر انتقال و واگذاری مالی بانک های ورشکست شده طراحی می شوند و ایجاد یک سیستم بیمه سپرده رسمی ممکن است به عنوان فرصتی برای وضع قوانین مفقود در جای خود استفاده شود .

سرعت در اداره کردن بانک های ورشکسته ضروری است. انحلال بانکی ورشکسته باید از قوانین سایر شرکت ها مجزا شود تا سریع تر بتوان به آنها رسیدگی کرد هم تئوری و هم تجربه نشان داده است که تأخیر در بستن بانک هایی که فاقد توانایی پرداخت دیون هستند هزینه های تفکیکی را افزایش می دهد بانک های ورشکسته برای بهبود بخشیدن به اوضاع انگیزه زیادی برای قمار کردن دارند . اکثر مواقع به سرعت وضعیت آنها وخیم تر می شود. سیستم بیمه سپرده رسمی می تواند با یک قالب قوی برای تفکیک به موقع بانکهای ورشکسته از سایر بانک ها طراحی شود تا بستن این نوع بانک ها تحت کنترل در آمده و اقدامات اصلاحی را تسریع بخشد.

این موارد صاحبان و مدیران هر بانکی را تشویق می کند تا بانکهایشان را قوی نگه داشته و کنترل روی فعالیت های آن را حفظ کنند .

سوماً سیستم بیمه سپرده صریح و روشن می تواند به عنوان یک نماینده سازماندهی کننده عمل کند که حمایت مالی را به منظور ارتقاء سلامت سازمان های مالی تأمین می کند و همچنین تفکیک و جدا سازی بانک های دچار مشکل را از طریق ادغام و کسب سود طی ساماندهی کردن آنها تسهیل می کند .

این مسئله حائز اهمیت است که مساعدت مالی که به دنبال سازماندهی مناسب وجود خواهد داشت از تزریق سرمایه تکراری جلوگیری خواهد کرد . توصیه می شود کسانی که سپرده ها را بیمه می کنند یعنی کسانی که انگیزه اقتصادی برای کاهش خسارات در بخش هزینه بیمه سپرده دارند. مسئولیت مدیریت هزینه های عمومی، تزریق سرمایه به شرط نظارت و بازبینی عملکرد بازسازی را به عهده گیرند . اغلب مشاهده می شود که برخی مسئولان نامربوط به موضوع در چنین زمینه امور بازسازی مداخله کرده در حالیکه تقویت نقدینگی توسط بانک مرکزی بطور غیر شفاف در دستور کار قرار دارد. فعالیت بانک مرکزی باید روی تقویت و حمایت از نقدینگی کوتاه مدت متمرکز

شود برای سازمان های مالی که قادر به پرداخت دیون خود هستند اما سرمایه آنها غیر نقدی است. در پی تجربیات توصیه می شود سرمایه سهامدارانی که قصد خروج را دارند قبل از تزریق هزینه های عمومی برای دستیابی به تقسیم منصفانه تر هزینه سه بار مستهلک گردد.

به علاوه دریافت کنندگان هزینه عمومی مجبور بودند که نیروهای انسانی اضافی را موقتاً از کار بی کار کنند. در راستای جابجایی مدیریت این کار بطور عمده به بازسازی موفق صنعت مالی کره و ایجاد نظم و ترتیب بازار کمک کرده است.

نظریه و عملکردها در صنعت بیمه به قانون «تعداد بالا» استناد می کنند یعنی اینکه سپرده ها به بهترین نحو بکار گرفته می شود در حالیکه تعداد زیادی از موسسات بیمه ای هزینه های حوادث بد و نادر را بین خود تقسیم کرده و این هزینه بطور مستقل پخش می شوند. بعلاوه ریسک های سیستم بیمه سپرده حداقل از لحاظ جغرافیایی باید متنوع باشد در حال حاضر ساختار سپرده های بانکی چین به نحو مطلوبی در چهار بانک بازرگانی دولتی متمرکز است که به میزان ۶۵ درصد سپرده ها در بازار می رسد. اگر همه بانک ها طرح بیمه سپرده را در برداشتند آن چهار بانک بزرگ اصلی ترین شرکت کنندگان در حق بیمه های سیستم بیمه سپرده

می بودند که این بدان معنا است که سهم بزرگی از هزینه ها توسط آنها متحمل می شد.

از آنجائیکه این چهار بانک بزرگ به طور کامل به دولت تعلق دارند و بزرگتر از آن هستند که دچار شکست شود، دولت فعلاً مسئولیت نامحدود را بعهده می گیرد. از طریق فهم کاربردی و نظریه این چهار قطب بزرگ، معرفی رسمی یک DIS به نظر می رسد هیچ گونه منفعتی برای این بانک ها نداشته باشد. اگر این چهار بانک بزرگ از انجام کار خود صرف نظر کنند ۶۵ درصد از سپرده ها بیمه نشده باقی خواهند ماند بطوریکه کل حق بیمه های صدها سازمان کوچک و متوسط به سختی خواهند توانست ریسک های پرداختی دو تایی آنها را جبران کنند. بدون داشتن منابع مالی کافی سیستم بیمه سپرده وظیفه اصلی خود را برای حمایت از سپرده گذاران از دست خواهد داد. به دنبال قضیه KDIS عضویت اجباری می تواند به منظور در برداشتن یکجای بانک های بزرگ و کوچک بکار رود تا از انتخاب نامساعد جلوگیری به عمل آید. در غیاب حمایت از سپرده واضح و روشن است که سپرده گذاران احتمالاً استفاده از بانک های بزرگ را ترجیح می دهند. این بانک ها به نظر کم خطر تر می آیند به این خاطر که ضمانت ضمنی دولت این مسئولیت را می پذیرد و این بانک های بزرگ برای ملاحظات

سیستماتیک سرانجام به قید کفیل آزاد می‌شوند. به هر حال، این رویه ممکن است مشکلات خطرناکی را در بانک‌های بزرگ افزایش دهد که این خطرات معنوی هزینه تفکیک نهایی را بالا می‌برد و سیستم مالی را در طولانی مدت بی‌ثبات می‌کند.

با ایجاد طرح بیمه سپرده که با بانک‌های بزرگ و کوچک یکسان برخورد می‌کند بانک‌های کوچک برای مطرح شدن حمایت خواهند شد و همچنین ایجاد بانک‌های جدید - که کوچک خواهند بود - آسانتر خواهد شد. با برخورد یکسان در مقابل بانک‌های بزرگ و کوچک، رقابت بیشتری در صنعت بانکداری بوجود می‌آید که کارایی مالی را بهتر و بهتر خواهد کرد، همچنین نرخ سود را کاهش خواهد داد و سرمایه‌گذاری و پیشرفت‌های اقتصادی را گسترش خواهد داد. همچنین این مسئله مهم است که طرح بیمه سپرده آنچنان عظیم اجرا نشود که امکان مطابقت آن با حدود بیمه ای دولتی مشکل باشد و باید از دادن امتیازات به بانک‌های بزرگ جلوگیری شود.

به علاوه اگر بانک‌های کوچک قوی باشند و بانک‌های بزرگ ضعیف به آنجایی خواهیم رسید که بانک‌های کوچک باید به بانک‌های بزرگ کمک هزینه دهند تا جایی که قابلیت سوددهی بانک‌های کوچک مورد تهدید واقع شود. از طرف

دیگر، اگر بانک‌های کوچک ضعیف و بانک‌های بزرگ قوی باشند بانک‌های بزرگ به بانک‌های کوچک کمک هزینه می‌دهند تا سیاست عمومی افزایش رقابت را تسریع بخشند. (گارسیا ۱۹۹۶)

یک سیستم حمایتی که از حق مخصوص بانک‌هایی که به طور عمده با مشتریان جزئی سروکار دارند بوسیله کاهش انگیزه سپرده‌گذاران برای خروج سرمایه‌شان حمایت می‌کند.

به موازات بانک مردمی چین که مسئول ایجاد سیاست‌های مالی و بخش بانکی ناظر می‌باشد سیستم بیمه سپرده در چین خیلی راحت می‌تواند بعنوان مکملی در کنار بخش بانکی حمایت‌کننده PBC ساخته شود. به خاطر تعارض ممکن با توانایی اجرایی سیاست مالی صحیح و کامل، پیشنهاد می‌شود که یک سیستم بیمه سپرده مستقل از دولت - (اما با همکاری نزدیک با دولت) تأسیس شود.

دائرکردن یک سیستم بیمه سپرده موفق باعث خواهد شد پیش‌نیازهای نظارتی و قانونی لازم در جای خود وجود داشته باشد و مسئولیت مالی آن به طور مناسب منظور شود

سیستم‌های مناسب از قانون‌گذاری، حسابداری، ارزش‌گذاری وام‌ها، حسابرسی، گزارش‌دهی و نظارت بر هر کدام باید وجود داشته



منبع:

*Introducing Deposit Insurance System in China: A Comparative Study from Korean Experience, wonke un Yang, Executive director, Shanghai university of finance & Economics.*

باشد. برای کاهش هزینه ورشکستگی بانک ها بهتر است اطلاعات غیر اختصاصی خود را به طور آشکار در دسترس مشتریان قرار دهند و این به مشتریان کمک خواهد کرد تا از منافع خود حمایت کنند و این کار باعث ایجاد نظم در سیستم بانکداری می شود و هزینه شکست را کاهش می دهد.

سیستم حقوقی کشور باید به بانک مرکزی، نماینده و بیمه گر، اختیار لازم را برای تدوین قوانین بدهد و باید سریعاً اقدامات اصلاحی را تحت قیومیت خود در آورده و خاتمه دادن به فعالیت بانک ها ورشکسته و وامانده را تسریع بخشد. سیستم حقوقی کشور همچنین باید از طریق جریان اطلاعات همکاری میان کارگزاران مختلف را تسهیل نماید.

توضیحات:

۱. در ترجمه و تلخیص این مقاله سرکار خانم نگار تهرانی یزدی و ندا فتوحی نیز با مترجم همکاری جامع علوم انسانی داشته اند.

واژگان کلیدی:

بیمه سپرده، سیستم سپرده گذاری، سیستم های مناسب قانون گذاری.